

تاریخ 16/12/2008

حمید انوری

**(( چون ندیدند حقیقت ، ره افسانه زدند.... ))**

در این مختصر صحبت از (( حقیقت )) تلویزیون آریانا نیست ، حقیقتی که یک پروگرام واقعاً ملی و مردمی بود و هموطن دلیر و نترس ما ، ژورنالیست و نطق ورزیده ، قاطع و دلسوز افغانستان محترم ( نصیر فیاض ) آنرا گرداندگی میکرد و راز های مگوی مقامات را مردانه وار افشا میکرد و عاقبت به چنگال ریاست ( امنیت غیر ملی ) گرفتار آمد و نام و نشان از صفحه روزگار محو گردید. هر چند ما نخواهیم گذاشت فیاض ها به فراموشی سپرده شوند و (( حقیقت )) برای همیشه کتمان گردد ، اما هر روز ای که میگردد (( می نهند این خائنین بر دوش ملت بار ها )) . گهی فیاض ها را تحدید میکنند و گهی هم کامبخش ها را به زنجیر و زولانه میکشند. زمانی تلویزیونها را زیر فشار قرار میدهند و زمانی هم خبرنگاران را چنگ و دندان نشان میدهند تا مبادا نا گفته ها را باز گویند و ...

اما قرار ای که گفته آمد ، منظور و هدف این مختصر آن (( حقیقت )) نیست که صرف یک پروگرام تلویزیونی بود و آنرا گلو بریدند ، در اینجا صحبت از یک حقیقت تلخ دیگر است ، حقیقتی که چون آفتاب روشن است اما آنانی که به منافع ملی افغانستان نمی اندیشند ، از دیدن آن حقیقت مسلم طفره میروند و وحشت دارند و (( چون ندیدند حقیقت ، ره افسانه زدند )) . مخاطب ما در این مختصر ( هیئت حقیقت یاب شورای امنیت سازمان ملل ) است که بعد از هفت سال تازه از خواب گران برخاستند و راهی دیار خون و خاک و خاکستر شدند تا مگر (( حقیقت )) را دریابند . این هیئت حقیقت یاب که در هفت سال گذشته قادر به دیدن یک حقیقت مسلم نبودند ، از پانزده نفر متشکل بود که در جمع شان آقای خلیل زاد ( نماینده امریکا در ملل متحد ) و آقای ظاهر طنین ( نماینده کرزی در ملل متحد ) نیز حضور داشتند . رول منفی که جناب خلیل زاد در دوره سفارت شان در کابل بازی کردند و اوضاع نابسامان امروزی را سبب گشتند ، بر همه گان روشن است . ایشان به حیث نماینده تمام اختیار حکومت امریکا در کابل گاهی مهمان عالی قدر رشید دوستم بودند و گاهی از محمد محقق و زمانی هم از سیاف یا ربانی ، گاهی با اسمعیل خان سر شور میدادند و گاهی هم با قسیم فهیم و قانونی و .... در حالیکه نظر به مقررات قبول شده بین المللی ایشان به عنوان سفیر یک کشور خارجی ، هرگز اجازه نداشتند تا در امور داخلی کشور میزبان دخالت داشته باشند. میدانیم که سیاست داخلی و خارجی حکومت موجوده افغانستان از وزارت خارجه امریکا و پنتاگون تعیین میگردد، اما جناب شان به عنوان یک دیپلمات ورزیده ، چنین دید و وادید ها و رفت و آمد های مشکوک را باید کاملاً مخفیانه و از دید مردم پنهان انجام میدادند و مشروعیت نظام دست نشانده شانرا زیر سوال نمی بردند . ظاهر طنین یکی از دوستان بسیار نزدیک داکتر نجیب رئیس خاد و بعد رئیس جمهور ( جمهوری دیموکراتیک خلق افغانستان ) بودند ، کسی که دستانش بخون دهها هزار فرزندان صدیق این مرز و بوم آلوده است ، فرد ای که صد ها هموطن آزاده ما را در زیر ضربات مشت و لگد و شکنجه های وحشیانه به شهادت رسانده است ، کسی که یک جاسوس سر سپرده سازمان جهانی جاسوسی شوروی و قت ( کی-جی-بی ) بود... ، ظاهر طنین همچنین مدیر مسؤل روزنامه (( حقیقت انقلاب ثور )) ارگان نشراتی حزب ( دیموکراتیک خلق ) و عضو کمیته مرکزی آن حزب بود ، یعنی کسی بود که زبان گویای حزب منفور ( دیموکراتیک خلق ) بود و در تمام خیانت ها و جنایات آن حزب بصورت مستقیم دست داشت و امروز نماینده حکومت کابل در سازمان ملل متحد است و در جمع هیئت حقیقت یاب پانزده نفری حضور دارد و میخواهد (( حقیقت )) را دریابد. حقیقتی که به جناب خلیل زاد و هم به ظاهر طنین چون آفتاب روشن است و ضرورت به یافتن ندارد ، فقط چشم بیبا و وجدان پاک میخواهد، آن حقیقت تلخ که بعد از تجاوز شوروی بر افغانستان و در زمان سلطه رفقای خلقی و پرچمی آقای ظاهر طنین ، در کشور سوخته و بر باد داده شده ما ، کاملاً قابل لمس بود ، اما روس های متجاوز و نوکران بومی شان از آن لجوجانه چشم پوشی میکردند، آن حقیقت تلخ ، تجاوز وحشیانه روسها بر افغانستان و مقاومت مردم در مقابل آن بود ، آن حقیقت تلخ ، یک جنگ تحمیلی و نابرابر یک ابر قدرت جهانی در مقابل مردم صلح دوست افغانستان ، تجاوز وحشیانه یک ابر قدرت بر یک کشور غیر متعهد و غیر منسلک و پامال نمودن تمام موازین بین المللی حقوق بشر بود که بیشتر از دو میلیون قربانی گرفت ، کشور ما را به یک ویرانه غم انگیز مبدل ساخت ، بیشتر از شش میلیون افغان را آواره و بی خانه و مهاجر ساخت و به صدها هزار بیوه و یتیم و معیوب و معلول بجا گذاشت ، آن حقیقت تلخ را آقای ظاهر طنین بخوبی میداند و شاهد زنده تمام جنایات روس ها و نوکران بومی شان بود و تا آخرین دقایق در کنار تجاوزگران روسی و وطن فروشان خلقی و پرچمی و در مقابل مردم خود ایستاده بود و .... آن حقیقت تلخ را جناب طنین تا امروز کتمان نموده و از آن چشم پوشی کرده است و امروز جزو هیئت حقیقت یاب ملل متحد است تا این حقیقت تلخ را دریابد که هرگز در نخواهد یافت .

تعداد صفحات: 1 از 3

افغان جرمن آنلاين شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید

[maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

از اینها که بگذریم باز هم به یک (( حقیقت )) تلخ دیگر بر می خوریم و آن اینست که این جمع نا متجانس طی یک هفته ای که در افغانستان تشریف داشتند ، با رئیس جمهور ، معاونین و مشاورین رئیس جمهور ، رؤسای هر دو مجلسین شورای ملی ، رؤسای کمیته های مختلف ولسی جرگه و مشرانو جرگه ، وزرا و والی صاحبان بعضی از ولایات کشور دیدار و گفتگو داشتند و باهم تبادل نظر نمودند و بالای موضوعات مورد علاقه بحث کردند تا باشد (( حقیقت )) را دریابند.

کدام (( حقیقت ))؟! حقیقتی که چون روز روشن است و طفل افغان هم از آن بخوبی آگاه است ، یا کدام حقیقت دیگر؟! آیا در هفت سال گذشته حقیقت از دید تان واقعاً پنهان مانده بود که امروز درصدد دریافتن آن به کشور ویرانه ما شتافته اید تا باشد گمشده خویش را باز یابید؟!

این از عقل سلیم بدور خواهد بود که آفتاب را در شب تاریک جستجو کنیم و حقیقت را از زبان دشمنان سرسخت و آشتی ناپذیر حق و عدالت بشنویم. آیا عاقلانه خواهد بود که از خفاشان شب پرست توقع کنیم ما را به روشنی آفتاب رهنمون شوند؟ در حقیقت با چنان امید بیهوده از خفاشان توقع خودکشی را داریم. چگونه امکان دارد از جنایتکاران جنگی بخواهیم ما را برای رسیدن به حقایق تلختر از زهر هلاک ، کمک و معاونت و یاری نمایند؟

این جنابان که جهت دریافت حقیقت به کشور ویران شده ما قدم رنجه فرمودند ، بخوبی میدانند که در هفت سال گذشته کشور بخون نشسته ما را ظالمانه اسیر چنگال کثیف یک مشت جنایتکاران جنگی ، قاچاقچیان مواد مخدر ، دزد و رهن و یک مشت بی وجدان و رشوتخوار و فاسد و بد اخلاق و ملیشه های گلم جم نموده اند و توقع دارند که از دزد ، دزد بگیر بسازند و بوسیله جنگ سالاران و جنگ جویان و جنگ آوران شناخته شده و بدنام که کابل زیبا را به خاکدان سیاه نشانده و بیشتر از شصت و پنج هزار باشندگان مظلوم کابل را از دم تیغ شقاوت شان گذشتانده و جوی های از خون پاک هموطنان ما جاری ساختند و به مرد و زن و پیر و جوان و طفل افغان نامردانه تجاوز کردند و حتی از زنان بی سرپرست و مریض مرستون کابل نیز چشم پوشی نکردند و بصورت دسته جمعی به ناموس شان نامردانه تجاوز کردند و هزار و یک جنایت دیگر را مرتکب شدند و... امنیت را تأمین نموده و دیموکراسی را پیاده نمایند . زهی خیال باطل !! جنابان این راهی که شما میروید به ترکستان است و هرگز شما را به سرمنزل مقصود نمی رساند، البته اگر خواسته باشید به سر منزل مقصود برسید و حقیقت تلخ را دریابید.

چه خوب و عاقلانه بود که با مردم عام افغانستان در مرکز و ولایات و دهات و قرأ و قصبات در تماس می شدید و به درد دل شان گوش میدادید، درد دلی که بیشتر از سی سال گوشت و پوست و استخوان شانرا چون موربانه زره زره میخورد. به فریاد و فغان شان گوش میدادید که از شدت خشم از عرش معلا هم گذشته است و گوش فلک را کر کرده است ، اما در زمین و زمین نشینان کوچکترین اثری نداشته و گوش شنوائی نیافته است . طی هفت سال گذشته میلیارد ها دالر و پوند و یورو در این ویرانه سرا از در وارد و با سرعت از دریچه خارج شده است و آب از آب تکان نخورده است. مردم هنوز هم از شدت فقر علف میخورند و کودکان دلبند خود را به دوصد دالر بفروش میرسانند تا آنان را از مرگ حتمی نجات داده باشند. کودکان مظلوم افغان از فرط گرسنگی دست به خودکشی میزنند و آوارگان داخلی در تابستان از شدت گرما و در زمستان از فرط سرما هلاک میشوند ، این در حالیست که نظر به اظهارات رئیس جمهور کشور در انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات پارلمانی کشور ویرانه ما حدود ششصد ( 600 ) میلیون دالر به مصرف میرسد. آیا بهتر نخواهد بود که با همچو پول گزاف ای که در یک انتخابات نمایشی به مصرف میرسد، یکی دو فابریکه اعمار نمود و چند هزار افغان بیکار را بکار انداخت و از مرگ حتمی چندین هزار فامیل گرسنه و بی سرپناه جلوگیری نمود؟ فامیل های مظلوم و برباد داده شده ای که دار و ندار و هست و بودشانرا همین جنگ سالاران بی همه چیز و قاچاقچیان مواد مخدر بر باد داده اند و امروز بالای شان حکومت میکنند. شما جنابان اعضای (( حقیقت )) یاب شورای امنیت ملل متحد بهتر است از همچو مصارف گزاف و بیهوده که در انتخابات ریاست جمهوری مصرف میشود ، جلوگیری نموده و زمینه کار و امنیت را برای مردم مهیا سازید تا به سر منزل مقصود رسیده باشید. اگر زمینه کار شرافتمندانه برای مردم مهیا شود ، باور داشته باشید که از حملات انتحاری بصورت سرسام آوری کاسته خواهد شد. یک فرد انتحاری با گرفتن چند صد دالر خود را منفجر ساخته و پارچه پارچه میکند تا از مرگ حتمی زن و فرزندانش جلوگیری کرده باشد، ورنه هیچ انسان عاقلی دست به چنین جنایتی نمی زند و این عمل غیر انسانی که آنها از شدت فقر و گرسنگی و بیکاری بدان متوصل میشوند، هیچگونه جنبه ایدیالوژیکی و دینی و مذهبی و قومی ندارد. زمانیکه یک قریه در یکی از ولایات کشور تحت بمباردمان نیروهای ناتو قرار میگیرد و صد ها خانواده را در مرگ عزیزان شان به ماتم می نشانند و چند روز بعد معذرت می خواهند که را پور های غلط برای شان داده شده است و... چه فکر میکنید ، پدر ای که زن و چهار کودک دلبند خود را در این بمباردمان وحشیانه از دست داده و سرپناه گلین وی با خاک یکسان گردیده و در یک لحظه زود گذر ، حاصل زحمات چندین ساله اش و امید فردا هایش دود شده و به هوا رفته است و در زیر آسمان خدا نه جایی برای خوابیدن و نه امیدی برای زنده ماندن دارد ، چه خواهد کرد؟! حکومت موجوده در بهترین

حالت چند هزار افغانی بدست اش خواهد داد و یک سفر حج بیت الله برایش پیشکش خواهد کرد ، آیا فکر میکنید که یک مشت پول بی ارزش و یک سفر حج ، فامیل و فرزندان او را به وی باز میگرداند و همه چیز فراموش میشود؟ اگر چنین می اندیشید بدانید که بخطا رفته اید ، حس انتقام در وی به شدت زبانه خواهد کشید و به هرکاری دست خواهد زد تا انتقام زن و فرزنداناش را گرفته باشد، در چنین شرائطی ، طالبان و القاعده به سراغش میروند و وی را تحرك به انتقام گیری مینمایند و در سر انجام کار مواد منفجره در بدنش وصل کرده و در یک لحظه دلخوا منفجر اش میکنند و....، اگر از بمباردمان های کور و بی هدف جلوگیری گردد و برای مردم زمینه کار مساعد گردد و اگر از حاکم ساختن جنایتکاران جنگی و قاچاقچیان مواد مخدر و افراد فاسد و جنایتکار بر سرنوشت مردم جلوگیری شود و کار به اهل کار سپرده شود و از مصرف بیجا و بیهوده پول های هنگفت در انتخابات فرمایشی خودداری گردد و از خورد و برد و چور و چپاول کمک های جامعه جهانی بوسیله زورآوران و زورگویان که در حرم قدرت در افغانستان نصب گردیده اند ، جلوگیری شود، یقین داشته باشید که امنیت به بهترین وجه آن در کشور تأمین خواهد شد و و به بسیار زودی به حقیقت خواهید رسید ، البته باز هم اگر واقعاً چنین خواهشی داشته باشید. جانیان و جنایتکاران جنگی را هرچه زودتد به محاکمه بکشانید و با سرنوشت مردم بازی نکنید و باور داشته باشید که (( آه مظلوم سخت گیرد = بسی کس را ز تخت و بخت گیرد )) و این تجربه تلخ را روس های تجاوزگر با گوشت و پوست خود در کشور آزاده ما تجربه کرده اند و حاصل آن تجزیه کشور شورا ها و آزادی جمهوری های آسیای میانه بود . لطفاً از تجربه تلخ متجاوزین روسی درس عبرتی گرفته و آنرا تکرار نکنید.